

## معرفی و نقد کتاب

### «فقه سیاسی»

یوسف القرضاوی، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی (تهران: نشر احسان، ۱۳۸۴، ۳۴۱ صفحه)

علی اکبر علیخانی\*

#### مقدمه

«فقه سیاسی» از جمله مباحث مهم امروز کشورهای جهان اسلام، و از دروس مهم در رشته‌های علوم سیاسی در دانشگاه‌های کشورهای مسلمان است؛ فقه، قدمتی بس دیرینه دارد و شاید بتوان قدمت فقه سیاسی را نیز به اندازه فقه یا کمی پس از آن دانست. این سابقه و قدمت فقه و فقه سیاسی که نقطه قوت و قدرت آن است، در عین حال به آفت و نقطه ضعف نیز تبدیل شده است؛ چون موجب شده است موضوعات و روشهای بحث فقه سیاسی در جهان امروز، به شدت تحت تأثیر سبک و سیاق قدیم باشد و به همین دلیل، مباحث تخصصی آن اغلب روزآمد نمی‌نماید. یوسف قرضاوی از مهم‌ترین فقهای اهل تسنن است که تلاش می‌کند مباحث سیاسی - اجتماعی امروز را در قالب فقه تجزیه و تحلیل کند. معرفی و بررسی یکی از کتابهای ایشان با عنوان «فقه سیاسی» یا «فقه الدوله» تقدیم می‌شود.

---

\* هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

## ۱. قرضای کیست؟

یوسف القرضاوی (رک. بحرانی، ۱۳۸۴، ج ۳، صص ۳۲۵-۳۸۵)، در سال ۱۳۴۵ق/ ۱۹۲۶م در روستای صفت تراب در استان غربی مصر متولد شد. از پنج سالگی به مکتب رفت و قبل از ده سالگی قرآن را حفظ کرد. از پانزده سالگی امامت جماعت مسجد محل بود. بعد از پایان مدرسه به مکتب دینی «طنطا» رفت و پس از چهار سال تعلیم، پنج سال دیگر نیز در دوره متوسط به سر برد. در سال ۱۹۵۳م. از دانشکده اصول دین دانشگاه قاهره مدرک کارشناسی گرفت. در سال ۱۹۷۳م. پایان نامه دکتری خود را با عنوان «زکات و اثر آن در حل مشکلات اجتماعی» در دانشگاه الازهر دفاع کرد.<sup>۱</sup> قرضاوی در «فقه الزکاة» به وجوب پرداخت زکات (به طور مطلق) به امام و حاکم جامعه قائل شد (رک. عسکری، ۱۳۸۰). او بعد از مدتی به دعوت شیخ عبدالله بن ترکی، مسئول بخش علوم شرعی وزارت اوقات کشور قطر، به این کشور رفت و ریاست دانشکده شریعت و علوم اسلامی دانشگاه قطر را بر عهده گرفت (قرضاوی ۲۰۰۲م). در تلاش برای احیای اندیشه اصیل اسلامی، در این دانشگاه مرکز تحقیقات «سنت و سیره نبوی» را تأسیس و مدیریت کرد و با فراگیر شدن آوازه وی در کل جهان اسلام، عضویت در مجامع مختلف را پذیرفت و هم اکنون عضو مجمع عالی فتوا و... در بانکهای اسلامی، عضو مجمع اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی، عضو مجلس امانا دعوت اسلامی در آفریقا، عضو مؤسس هیئت جهانی خیریه اسلامی و... است (Cf. garadawi.net). قرضاوی به ایران نیز مسافرت کرده است (alsaha.com/sahat/forum2/hIm1).

قرضاوی دوران ناصر را درک کرده، بازداشتگاههای طنطا و طور را پشت سر گذاشته، ترور و اعدام مهم ترین اندیشمندان مسلمان مصری، یعنی حسن البنا و سید قطب، را شاهد بوده و متقابلاً سستی و تساهل بیش از حد علمای درباری الازهر (کسانی که پیمان کمپ دیوید را به صلح حدیبیه تشبیه کردند و به آن مشروعیت دادند) را نیز دیده است، در نهایت به نظر می رسد او با اتخاذ راه حل میانه، بر نیازها و نیازمندی جوامع اسلامی وقوف علمی و عملی پیدا کرده و تلاش خود را بر این امر

متمرکز کرده است تا متون اسلامی را با معیار عقل به صحنه اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ بکشاند.

قرضاوی از جمله اندیشمندان اسلامی معاصر دارای تألیفات فراوانی است. گرچه مضامین تمامی آثار وی، تاکنون ضرورت بازگشت به اسلام اعتدالی را نشان می‌دهد، از زوایه‌های متعدد به این موضوع می‌پردازد. تاکنون مجموعاً بیش از صد جلد اثر از وی چاپ شده است. قرضاوی در آثار خود تلاش می‌کند تا جریان فکری میانه‌روی را در اندیشه اسلامی دنبال کند. همین ویژگی میانه‌رو بودن قرضاوی باعث شده است تا برخی از پژوهشگران اسلامگرا او را «علامه مجدد» بنامند و اندیشه او را به عنوان راه‌حلی برای خروج از بن‌بست تحمیل‌شده بر جنبشهای اسلامی بدانند (معوض احمد، ۲۰۰۱م، ص ۳۰۹).

قرضاوی در آثار خود مسائل جدید را با سبک کلاسیک و با استناد و کنکاش در آیات قرآن، روایات، سنت و تاریخ خلفای راشدین پیگیری و تحلیل می‌کند؛ به گونه‌ای که حتی مسئله‌ای چون حفظ محیط زیست را نیز با استناد به آیاتی چون: «در زمین با فخر و تکبر راه نرو» (لقمان: ۱۸)<sup>۱</sup> و «هیاهوی مردم جاهل و مغالطه‌کار را از آیه زشت‌ترین صداها صدای الاغ است» (لقمان: ۱۹)<sup>۲</sup> استخراج می‌کند (gardawi-net).

در روش قرضاوی این نکته دیده می‌شود که او با سنجیدن مسائل در ظرف زمانی خود، ابتدا مقبولیت عقلی و لزوم عملی آن را متذکر می‌شود و سپس، با استناد به آیات قرآن، آیاتی که چه بسا در وهله اول هیچ صبغه سیاسی- اجتماعی ندارند بلکه بیشتر وجهه عبادی- اخلاقی دارند، و سنت پیامبر(ص) و خلفای اربعه، نظرهای خود را تحکیم می‌بخشد. حتی در مواردی با استناد به اقوال معاویه و عمر بن عبدالعزیز از آنها تجمید می‌کند و سخنان آنها را مبنای بحث خود قرار می‌دهد (القرضاوی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۹).

گرچه قرضاوی در موارد بسیاری به تاریخ اسلام استناد می‌کند، در مجموع به تاریخ اسلام به معنای واقعی توجه نمی‌کند؛ بدین صورت که در مباحث تاریخی تا آنجا که با اندیشه و آرای وی همخوانی داشته باشد، استناد می‌کند و آنجا که احتمال اتهام می‌رود، دست به سکوت، دوگانگی و یا حتی تخریب می‌زند. چنان که در همین کتاب

«من فقه الدولة في الاسلام»، در مبحث مربوط به حاکمیت و نفی حق الهی برای «حاکمیت در اندیشه سیاسی اسلام» با ارجاع خواننده به کتاب «الخراج» که ابویوسف قاضی (۱۱۳-۱۸۲ق) آن را برای هارون الرشید نوشت، تلاش می‌کند دامن عباسیان را از اتهام و ناراستی مبرا کند (القرضاوی، ۱۴۱۹ق، ص ۷۰). در همین کتاب خلافت مأمون، معتصم و واثق را به بدترین وجه به باد انتقاد می‌گیرد و آنها را معتزلیان مستبد معرفی می‌کند که به آزار و اذیت امام احمد بن حنبل پرداختند (القرضاوی، ۱۴۱۹ق، ص ۶۸). از جمله ویژگیهای مثبت شخصیت قرضاوی، دیدگاههای متعادل او در باره شیعه و تلاش برای وحدت شیعه و اهل تسنن است؛ به همین دلیل او آنها را از بحث در باره نصوص و اختلافهای اولیه نهی می‌کند و آنها را به حل مسائل و امور واقع و فعلی فرا می‌خواند.

## ۲. معرفی کتاب فقه سیاسی

عنوان اصلی کتاب «فقه الدولة في الاسلام» است که قبل از آن کلمه «من» آمده است و پس از آن عنوان فرعی «مکاتنها، معالمها، طبیعتها، موقفها من الديمقراطية والتعددية والمرأة وغير المسلمين» آمده است. چاپ اول کتاب در سال ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م. و چاپ دوم در سال ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م. توسط دارالشروق قاهره منتشر شد. این کتاب توسط عبدالعزیز سلیمی با عنوان «فقه سیاسی» ترجمه و توسط نشر احسان منتشر شده است. چاپ اول کتاب در سال ۱۳۷۹ و چاپ دوم در سال ۱۳۸۱ با شمار ۳۰۰۰ نسخه به بازار آمده و هم اکنون کتاب نایاب است. قرضاوی در مقدمه کتاب، هدف خود را بیان ابعاد مختلف، ارکان، ویژگیها و ساختار حکومت اسلامی و معرفی هویت آن می‌داند و یادآور می‌شود که مطالب آن را از میان آثار قبلی و فتوهای فقهی خود برگرفته است. کتاب «فقه سیاسی» در هفت بخش به شرح زیر سامان یافته است:

بخش اول: جایگاه حکومت در اسلام؛

بخش دوم: ویژگیها و ارکان حکومت اسلامی؛

بخش سوم: ساختار حکومت اسلامی؛

بخش چهارم: فقه سیاسی بالنده؛

بخش پنجم: دموکراسی و تعدد احزاب؛

بخش ششم: مشارکت سیاسی زنان؛

بخش هفتم: مشارکت در حکومت‌های غیراسلامی.

اینک به اجمال به معرفی مباحث هر کدام از بخش‌های یادشده می‌پردازیم:

کتاب در بخش اول، با استناد به شواهدی از قرآن و سنت، تاریخ اسلام و ویژگی‌های ماهوی اسلام، سعی می‌کند نشان دهد که اسلام با سیاست عجین و همراه است؛ سپس از ضرورت حکومت اسلامی بحث می‌کند و در ادامه نسبت بین اسلام و سیاست بررسی می‌شود.

بخش دوم، ابتدا به ویژگی‌های حکومت اسلامی می‌پردازد و «حکومت مدنی»، «حکومت جهانی»، «حکومت قانون»، در حکومت شورایی»، «هدایتگری»، «حمایت از محرومان»، تأمین حقوق و آزادیها» و «توجه به اخلاق و ارزشها» را از جمله ویژگی‌های حکومت اسلامی می‌داند و البته در مباحث خود از آیات قرآن، احادیث و سنت رسول اکرم(ص) نیز بهره می‌جوید.

در بخش سوم، قرضای پرسش مهمی را مطرح می‌کند و تمام تلاش خود را برای پاسخ به این پرسش متمرکز می‌سازد. پرسش این است که آیا حکومت اسلامی، همان «حکومت دینی» است که رجال دین قدرت را در دست دارند؛ شبیه آنچه در مسیحیت بود و به عبارت دیگر، حکومت در اسلام نوعی «تئوکراسی» است یا اینکه حکومت اسلامی چیزی جز این است و ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد. در این فصل قرضای به یک چالش جدی با تفکرات سکولار مسلمانان دست می‌زند و با استناد به دلایل برخی از آنها مثل فرج فوده و فؤاد زکریا، خود را به زمین و زمان می‌زند تا اثبات کند حکومت در اسلام یک حق الهی، همچنان که در مسیحیت بود، نیست و اساساً قدرت و مشروعیت در اسلام، الهی نیست و مردان دین نقشی در قدرت و حکومت ندارند بلکه این احکام و قوانین مدنی اسلام است که اجرا و پیاده می‌شود. قرضای برای اثبات نظر خود، علاوه بر آیات قرآن و سنت پیامبر(ص)، به سخنان و نگرش‌های خلفای راشدین و خلفای بنی‌امیه مثل عمر بن عبدالعزیز و دیگران، به قدرت و

حکومت اشاره می‌کند و طرح مباحث اندیشمندان معاصر مثل سید قطب و مودودی را نیز از نظر دور نمی‌دارد.

در بخش بعدی، قرض‌آوی به آسیب‌شناسی فقه سیاسی می‌پردازد و پس از بیان نقاط ضعف آن، به برخی موضوعات سیاسی فقهی توجه می‌کند. او در ادامه بحث، مفهوم «اسلام سیاسی» را نادرست می‌داند؛ چون اسلام فراگیر است و سیاسی و غیرسیاسی ندارد. همچنین به برخی مباحث فقه سیاسی مثل جهاد و امر به معروف اشاره می‌کند و مجدداً بحث اسلام و سیاست را پیش می‌کشد.

بخش پنجم به تبیین دیدگاه اسلام در ارتباط با دموکراسی و تعداد احزاب اختصاص دارد؛ در ابتدا بحث نسبت بین اسلام و دموکراسی مطرح می‌شود و قرض‌آوی سعی می‌کند با چشم‌پوشی از مباحث بنیانهای نظری دموکراسی، جوهر و روح و نتیجه دموکراسی را آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، احترام به حقوق بشر، تعدد احزاب، حق حکومت، مردم و... بداند و سپس تصریح می‌کند که این مباحث هیچ‌گونه ناسازگاری با اسلام ندارند؛ اگر دموکراسی غربی از مسیر انسان‌مداری به این نتایج و دستاوردها رسید، ما می‌توانیم از مسیر توحید و اسلام دقیقاً به همین نتایج برسیم؛ چون اسلام با حقوق و کرامت انسانی، آزادی، تعدد احزاب، حقوق مخالفان سیاسی و... هیچ‌گونه تضادی ندارد. قرض‌آوی در ادامه بحث نشان می‌دهد که اسلام و قرآن با استبداد و خودکامگی مخالف است و مجالهای فراوانی برای مردم و اکثریت باز کرده است که شورا یکی از آنهاست. در ادامه این بخش، قرض‌آوی به نسبت حکومت اسلامی و تعدد احزاب می‌پردازد و با رد دیدگاههای سکولار که اسلام را مخالف تعدد احزاب می‌دانند، سعی می‌کند با استدلال و طرح مباحث قرآنی و فقهی نشان دهد که انحصارگرایی در اندیشه سیاسی اسلام وجود ندارد و حتی احزاب معارض و مخالف در حکومت اسلامی آزادند؛ استناد قرض‌آوی در این قسمت، به حکومت حضرت علی(ع) و وجود خوارج است. قرض‌آوی فتوای برخی فقهای متعصب را مبنی بر تحریم تعدد احزاب، ضربه به اسلام قلمداد می‌کند. در ادامه همین بخش، قرض‌آوی بحث حکومت اسلامی و حکم «بما انزل الله» را پیش می‌کشد و تلاش می‌کند این دسته از

آیات قرآن را مناسب با شرایط امروز تفسیر کند. همچنین، موضوع «ارتکاب خلاف و منکر را توسط حکومتها» در همین قسمت بحث می‌کند.

بخش ششم کتاب به مشارکت سیاسی زنان اختصاص دارد. اهمیت این بخش از آنجا ناشی می‌شود که در مجامع اهل تسنن، زنان در مجامع، مساجد و اجتماع حضور جدی ندارند و حتی در برخی از این کشورها از حق رأی یا حق رانندگی محروم‌اند. مدافعان محرومیت زنان، فقهاء و اقشار متعصب‌تر در این جوامع هستند و این مسئله حربه‌ای قوی به دست مخالفان و به ویژه سکولارها داده است تا بدین وسیله اسلامگراها را مورد تخطئه قرار دهند و جدایی دین را از عرصه سیاست خواستار شوند. قرضای بحث را از مشارکت و حضور زنان در مجالس قانونگذاری آغاز می‌کند و سپس حقوق سیاسی زنان را بررسی می‌کند. تلاش قرضای اثبات مشروعیت مشارکت زنان از طریق استناد به آیات قرآن و دلایل عقلی است.

آخرین بخش کتاب فقه سیاسی، به بحث مشارکت مسلمانان در حکومت‌های غیراسلامی اختصاص دارد و عمدتاً مسلمانانی را شامل می‌شود که به صورت اقلیت در کشورهای غیراسلامی زندگی می‌کنند. این موضوع مورد اختلاف اسلام‌گرایان است و بسیاری از آنها مشارکت مسلمانان را در حکومت‌های غیراسلامی مجاز نمی‌دانند. قرضای با استناد به آیات قرآن، هر گونه همکاری با ظالم و کمک به او را حرام و غیرمجاز می‌داند، اما در مواردی که همکاری یا مشارکت مسلمانان در حکومت‌های غیراسلامی، به کم کردن میزان شر و ستم، یا برگزیدن زیان‌کمتر بیانجامد و ضمن پذیرش واقعیت‌های اجتماعی، آرمان‌های والای اسلام را از مسلمانان دور نسازد، قرضای این مشارکت را مجاز می‌داند و البته ضرورت تلاش تدریجی را برای اصلاح یادآور می‌شود. او شرایطی برای این مشارکت ذکر می‌کند و به فتاوی برخی علمای مسلمان در این باره اشاره می‌کند.

### ۳. نقاط قوت کتاب

شاید بتوان گفت هر کتابی در جایگاه خود مهم و دارای نقاط قوت است و بستگی دارد که ما از چه منظری به آن بنگریم؛ یا از چه جایگاهی آن را ارزیابی کنیم. از زاویه‌ای که

ما به این کتاب می‌نگریم، آن را دارای نقاط قوت و ضعف مختلفی می‌یابیم. عمده‌ترین نقاط قوت این کتاب عبارت‌اند از:

۱. پرداختن به موضوعات سیاسی روز، از منظر یک فقیه سنتی، امری که در جهان اسلام و بین فقها کمتر بدان پرداخته می‌شود؛
۲. مستند کردن تمام مباحث به آیات قرآن یا سیره و احادیث رسول اکرم (ص)؛
۳. وارد کردن مباحث عقلی و استدلالی در مباحث، در کنار مباحث قرآنی و نقلی؛
۴. متمرکز کردن مباحث بر چالش‌های سیاسی-اجتماعی روز. این ویژگی موجب شده است قرضواوی در خلأ سخن نگوید و به مباحثی نپردازد که مبتلابه جامعه نیست؛
۵. طرح دیدگاه‌های سایر اندیشمندان مخالف و موافق مثل فرج فوده، فؤاد زکریا، مودودی، بناء و....

در پایان شاید بتوان عمده‌ترین نقطه قوت کتاب را شخص مؤلف دانست. اهمیت و ارزش این کتاب بیشتر به دلیل شخص قرضواوی است و اگر فرد دیگری چنین اثری خلق می‌کرد، چندان قابل اعتنا نبود.

#### ۴. نقاط ضعف کتاب

شاید بتوان گفت به لحاظ معرفتی و روشی، نقاط ضعف کتاب به مراتب بیشتر از نقاط قوت آن است. گرچه ممکن است شخصیت برجسته قرضواوی این نقاط ضعف را تحت تأثیر قرار دهد، این موجب نمی‌شود که از ذکر آنها خودداری کنیم. برخی از نقاط ضعف کتاب قرضواوی به حدی جدی است که حتی یکی از آنها کافی است که کتاب را از صلاحیت نشر خارج سازد و ناشر دست رد بر سینه آن گذارد؛ ولی چنان که گفتیم، شخصیت قرضواوی این نقص را جبران کرده است. عمده این نقاط ضعف عبارت‌اند از:

۱. نبود روشمندی: به این صورت که کتاب به لحاظ روشی به شدت آشفته و درهم است و نه تنها از هیچ روش معرفتی و تحقیقی پیروی نمی‌کند بلکه اساساً بی‌روشی در آن خود را به شدت نمایان می‌سازد؛

۲. سطحی بودن ظاهر مباحث: بدین صورت که ظاهر مباحث و مطالب به شدت سطحی می‌نماید؛ به این دلیل کلمه ظاهر را آوردیم که هم اصل موضوعات مطرح شده



بسیار مهم‌اند و هم دیدگاه‌های قضاوی به عنوان یک فقیه مسلم و با تجربه، بسیار حائز اهمیت است، آن موضوعات عمیق و این نظرات پراهمیت، در قالبی سطحی ارائه شده است.

۳. **نبود ارجاعات:** بدین صورت که قضاوی احادیث، وقایع تاریخی، سنت پیامبر (ص) و دیدگاه‌های سایر افراد را بدون استناد و ارجاع علمی و براساس ذهنیت خود می‌آورد.

۴. **تاویل و تفسیر غریب:** گاهی استنباط و نتیجه‌گیری قضاوی از آیات و احادیث غریب می‌نماید و دقیقاً مراحل مختلف استنباط و استنتاج نشان داده نشده است. در پایان، باید گفت: این کتاب به رغم نواقص و کاستیها، کتاب مهمی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام است و یک بار خواندن آن برای دانشجویان و پژوهشگران این رشته ضروری است؛ به ویژه که قضاوی یک فقیه در رده مجتهدان ماست که به عنوان یک اسلام‌شناس، دیدگاه‌های آنها به خودی خود قابل استناد است.

## یادداشتها

۱. ابوالاعلی مودودی از این کتاب را بهترین اثر در این موضوع دانسته است؛ رک. - garadawi.net
۲. «لا تمش فی الارض مرحاً».
۳. «ان انکر الاصوات لصوت الحمیر».

## کتابنامه

- قرآن کریم
- بحرانی، مرتضی (۱۳۸۴). «یوسف قضاوی» در: علی‌اکبر علیخانی و همکاران. اندیشه سیاسی در جهان اسلام. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- عسکری، محمدمهدی (۱۳۸۰)، «تحلیل نظری نقش دولت در قبال زکات» در: [isu.ac.ir. Publication/vrq/no13-14/1305.htm](http://isu.ac.ir/Publication/vrq/no13-14/1305.htm)
- القضاوی، یوسف (۱۴۱۹ق). من فقه الدولة فی الاسلام. قاهره: دارالشروق، ۱۹۹۹م.
- قضاوی، یوسف (۲۰۰۲م). «لماذا اخترت قطر؟». در: [islamonline. Net/Arabic/kardawy/2002/11/article16](http://islamonline.Net/Arabic/kardawy/2002/11/article16)

- معوض احمد، نازلی (۲۰۰۱). الخبرة السياسية المصرية في مائة عام. مصر: جامعة القاهرة، مركز البحوث والدراسات السياسية.

- [alsaha.com/sahat/forum2/h1m1](http://alsaha.com/sahat/forum2/h1m1)

- [garadawi.net](http://garadawi.net)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی